

حاشیه جنوب خلیج فارس مصرف کنندگان بالایی دارد و تا حدودی درهای آن باز است و اگر ما کیفیت تولید خود را بالا ببریم قطعاً فرصت‌های بهتری خواهیم داشت.

ما خوشبختانه تنوع خوبی در صادرات داریم و در سال ۹۸ هم تنوع صادراتی داشتیم که ویژگی یک کشور در حال توسعه است اما بحث داخل و ظرفیت‌های داخلی را باید جدی بگیریم؛ زیرا سازوکارهای اقتصادی کشور ما برای واردات درست شده است. تفکر مردم همچنان براساس واردات سودآور است و این طرز فکر قریب به ۴۰ سال بر کشور حاکم است. ما به مدت ۴۰ سال از محل نفت به تولیدکننده خارجی یارانه دادیم تا به کشور ما جنس صادر کنند. خب این ساختار باید تغییر کند. ما همیشه فکر می‌کردیم هرکسی که تولیدکننده است، می‌تواند صادرکننده هم باشد؛ اما امروز شاهد هستیم که صادرات به سازوکار ویژه و نهادهایی نیاز دارد که در صادرات و بازاریابی متخصص باشند. برای صادرات به وجود قوانین و مقررات حمایتی نیاز است تا صادرکننده خیالش راحت باشد که پول حاصل از صادرات محصولش به دستش می‌رسد. به همین دلیل وجود بانک توسعه صادرات قوی، صندوق ضمانت صادرات و صندوق توسعه ملی قوی مورد نیاز است که روند صادرات را زیر نظر داشته باشد و حمایت کند. یعنی سازوکاری باید وجود داشته باشد که با قاطعیت از صادرات دفاع کنیم حتی اگر در نتیجه این رویکرد، در داخل کمبودهایی هم ایجاد شود نباید بازار را از دست بدهیم. به عنوان مثال امروز محصولات کشاورزی ما با کیفیت خوبی تولید و صادر می‌شود اما در مواردی یکباره صادرات آن ممنوع اعلام می‌شود؛ زیرا قیمت آن در داخل کشور بالا رفته است. به دلیل چنین سیاست‌های کج دار و مریزی روند صادرات بخوبی صورت نمی‌گیرد. دولت باید با همراهی مردم سیاستی را در پیش گیرد که بتوان سیاست تجاری جایگزین فروش نفت را در دستور کار قرار داد. نفت را در دستور کار قرار داد. همراهی مردم از این منظر مهم است و باید فرهنگ مصرف در کشور تغییر کند. امروز از بخشی از کالاها مانند گاز، سوخت، برق و میوه در داخل کشور به صورت افراطی استفاده می‌شود. در کجای دنیا به شکلی که در ایران میوه مصرف می‌کنیم، میوه مصرف می‌کنند. ۴۰ سال گذشته که بلیت مسافرت‌های خارجی مردم مجانی بوده و هر کسی در این ۴۰ سال به خارج از کشور رفته پول خود را از محل یارانه ارز گرفته است. چنین مقررات و فرهنگی به این دلیل رواج دارد که صادرات برای ما مهم نیست و هنوز هم تمرکز اصلی ما بر بازار داخل خودمان است. ولی اگر زمانی صادرات برای کشور جدی شود هم اقتصاد بزرگ خواهد شد و هم نان این صادرات در سفره‌ها پیدا خواهد شد اما این کار نیاز به تحمل و صبر و حوصله، زمان و برنامه‌ریزی دارد بنابراین باید ظرفیت‌های داخل را از طریق توجیه افکار عمومی بالا ببریم که زمان نیاز دارد.

در فرآیند تغییراتی که ما در زمینه رویکرد اقتصادی خود داریم قطعاً روزها و سال‌های سختی پیش رو است؛ سال ۹۹، ۱۴۰۰ و سال‌های بسیار سختی خواهند بود زیرا اقتصاد ایران در حال پوست‌اندازی است و دارد از یک اقتصاد واردکننده و نفتی به یک اقتصاد غیر نفتی بر پایه تولید تغییر می‌کند. برای چنین تحولی دولت باید سازوکار مختص آن را ایجاد کند و به همین موازات فرهنگ آن در مردم شکل گیرد و همه متفق‌النظر باشند. یعنی مجلس، دولت، قوه قضائیه و همه نهادهای کشور در جهت نیاز اصلی کشور و کمک به ایجاد آرامش در بازار و تقویت تجارت خارجی حرکت کنند تا بتوان بازارهای تضمین شده‌ای در منطقه پیدا کرد و روحیه صادرات در کشور را

سازوکارهای اقتصادی کشور ما برای واردات درست شده است. تفکر مردم همچنان بر اساس واردات سودآور است و این طرز فکر قریب به ۴۰ سال بر کشور حاکم است. ما به مدت ۴۰ سال از محل نفت به تولیدکننده خارجی یارانه دادیم تا به کشور ما جنس صادر کنند. خب این ساختار باید تغییر کند. برای صادرات به وجود قوانین و مقررات حمایتی نیاز است تا صادرکننده خیالش راحت باشد که پول حاصل از صادرات محصولش به دستش می‌رسد. به همین دلیل وجود بانک توسعه صادرات قوی، صندوق ضمانت صادرات و صندوق توسعه ملی قوی مورد نیاز است که روند صادرات را زیر نظر داشته باشد و حمایت کند. یعنی سازوکاری باید وجود داشته باشد که با قاطعیت از صادرات دفاع کنیم حتی اگر در نتیجه این رویکرد، در داخل کمبودهایی هم ایجاد شود نباید بازار را از دست بدهیم. به عنوان مثال امروز محصولات کشاورزی ما با کیفیت خوبی تولید و صادر می‌شود اما در مواردی یکباره صادرات آن ممنوع اعلام می‌شود؛ زیرا قیمت آن در داخل کشور بالا رفته است. به دلیل چنین سیاست‌های کج دار و مریزی روند صادرات بخوبی صورت نمی‌گیرد. دولت باید با همراهی مردم سیاستی را در پیش گیرد که بتوان سیاست تجاری جایگزین فروش نفت را در دستور کار قرار داد

ما انواع فلزات، کالاهای کشاورزی، شیلات و میوه را به چین صادر می‌کنیم. همچنین گردشگری ما به صورت دو طرفه با این کشور بسیار فعال بوده بنابراین ما با چین به دلیل پذیرش ظرفیت، تنوع روابط اقتصادی داریم، بخصوص که روابط سیاسی ایران با چین هم فعال و مثبت است؛ اما ما نمی‌توانیم این ظرفیت را در کشور کوچک آسیایی پیدا کنیم. ما مشابه این وضعیت را با روسیه داریم. این کشور بازار بسیار پرفریتی است ولی دارای جمعیت ۱۴۰ میلیونی است؛ یعنی در حالی که پذیرش خوبی برای ما دارد ولی در مقایسه با چین ظرفیت کمتری دارد. تنوع کالا در روند تجارت ایران با روسیه خیلی کمتر است؛ زیرا ما و روسیه دو اقتصاد مشابه و هر دو صادرکننده بزرگ نفت، گاز و فلزات هستیم. لذا این کار ما را محدود می‌کند در حالی که این محدودیت‌ها درباره چین خیلی کمتر است اگر ما فلزات را تولید کنیم می‌توانیم مشتری آن را در بازار چین پیدا کنیم هر چه صنعت پتروشیمی ما کودهای شیمیایی تولید کند یک جمعیت یک میلیارد و ۴۰۰ میلیونی در چین مایل به دریافت این کالا است. این در حالی است که ما موانع جدی نداریم.

■ فارغ از چین و روسیه، ظرفیت این بده بستان اقتصادی در سایر کشورهای آسیایی چگونه دیده می‌شود؟

ما باید دنبال بازارهای بزرگ باشیم مانند بازار هند که یک بازار بیش از یک میلیارد و ۲۰۰ میلیون نفری است. البته مسأله تعرفه‌ها مطرح است که یکی از کارهای وزارت امور خارجه این است که به تجارت خارجی ثبات دهد. ایجاد این ثبات از طریق موافقتنامه‌ها انجام می‌شود. یکی از برنامه‌های وزارت خارجه تمرکز در موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی است. اما لازمه دستیابی به چنین موافقتنامه‌هایی، شکل‌گیری فرهنگ آن است؛ یعنی وقتی ما به کشوری پیشنهاد می‌دهیم که قصد داریم از بازار آن برای صادرات خود استفاده کنیم و درخواست می‌کنیم آن کشور تعرفه‌های خود را کم کند تا ما بهتر در بازار آن کشور حاضر شویم آن کشور هم درخواست دارد و به بازار

ایجاد نمود. چه اشکالی دارد برخی از کالاها فقط برای صادرات تولید شود؟ اگر گیلان ما در همه جای دنیا با بهترین و گرم‌ترین استقبال روبه‌رو می‌شود چرا ما نباید این محصول را عمدتاً برای صادرات تولید کنیم؟ برنج ایرانی با این کیفیت در هیچ‌جا مانند کشورمان تولید نمی‌شود؛ ولی ما امروز هر چه تولید می‌کنیم خودمان مصرف می‌کنیم. اگر ما نیازمند درآمد ارزی هستیم خب تولید و صادرات این کالاها درآمد ارزی برای تولیدکننده به دنبال دارد. صادرات تنها راهی است که تولیدکننده می‌تواند درآمد حاصل از تولید خود را به سر سفره‌ها بکشد. البته تولید در سال گذشته و امسال خیلی خوب بوده است و در صادرات هم موفق بودیم ولی ظرفیت‌ها خیلی بیشتر است.

■ به نظر می‌رسد دولت در پیگیری این سیاست روی دو کشور بزرگ حوزه شرق یعنی روسیه و چین حساب ویژه‌ای باز کرده است. اگرچه منتقدان این تحرکات را در قالب یک سیاست نمایشی که در فقدان مناسبات معمول با غرب پیگیری شده، ارزیابی می‌کنند و مدعی هستند دولت برای جبران مافات حاصل از مخدوش شدن اجرای برجام و از روی ناچاری به حوزه شرق بیش از گذشته نزدیک شده است. چه پاسخی به این ادعا دارید؟ روسیه و چین قرار است در تغییر رویکرد اقتصادی ایران چه جایگاهی داشته باشند؟

ما ابتدا در تجارت خارجی چه به عنوان مبدأ و چه مقصد به دنبال تنوع هستیم. شاخص دومی که آن را دنبال می‌کنیم یکی پذیرش و دوم ظرفیت است. کشوری که هم پذیرش و هم ظرفیت ما را داشته باشد اینجاست که ما دست به مقایسه می‌زنیم. چین و روسیه از منظر ظرفیت و پذیرش ایران در جایگاه خوبی برای ما قرار دارند. وقتی ما ظرفیت کشوری مانند چین را با کشوری چون ویتنام مقایسه کنیم متوجه تفاوت فاحش آن از منظر ظرفیت بالقوه می‌شویم. ظرفیت و پذیرش در چین برای کالای ایرانی بالاست و ما الان یک تنوع صادراتی و پذیرش خوب به چین داریم.